

فهرست مطالب

چکیده

مقدمه

روش پژوهش

پیشینه مدیریت

تعاریف و مفاهیم

مکتب‌های مدیریتی

رابطه‌ی مدیریت و حکومت

مدیریت و عدالت

نقش عدالت در قدرت حکومت

نتیجه‌گیری

منابع

Archive of SID

«بررسی نقش محوری مدیریت در حکومت و عدالت»

فرهاد کیانی

کارشناس مدیریت و پژوهشگر

چکیده:

همواره پس از تشکیل یک نظام پایدار و یک حکومت، باید توجه داشت که اصلی‌ترین جزء آن را مدیریت شکل می‌دهد و مدیریت هر حکومت نشان‌گر شاخصه و شخصیت آن می‌باشد. مدیریت امری پیچیده، متنوع و قابل احترام و اتکا در شرایط گوناگون می‌باشد و دارای اصول و قواعدی است که اهم این اصول عبارتند از: سازماندهی، برنامه‌ریزی، نظارت و رهبری می‌باشد. که در میان این اصول سرآمدترین و محوری‌ترین اصل، عدالت نام دارد؛ زیرا عدالت نیازمند مدیریت مناسب و کارآمد است که به تبعه آن مدیریت، حکومت عادلانه شکل می‌گیرد؛ به این ترتیب که این مقاله به رویکرد و بررسی نقش محوری مدیریت در حکومت و عدالت می‌پردازد.

کلمات کلیدی: مدیریت، حکومت، عدالت، رهبری.

حاکمان و رهبران هر حکومت و نظامی می‌توانند با مدیریت صحیح، کارآمد و عادلانه، بر مشکلات و موانع غالب آیند و از ابزار و اهرم‌های قدرت و حکومت به نحوی مطلوب برای تحقق اهداف و مقاصد بهره‌وری نمایند. بدیهی است برای عینیت یافتن مدیریت صحیح و کارآمد باید عناصری درهم آمیزند و عواملی به‌کار آیند که از آنها می‌توان دانش و سطح دانش و تجربه‌ی تخصصی، برنامه‌ریزی اهداف، رهبری مناسب و مبتنی بر عدل، اقتدار و قدرت، بهره‌وری از فضای مثبت اقتصادی، شایسته‌سالاری و محبوبیت اشاره کرد.

حکومت باید ملت از دولت باشد و دولت از ملت. به طور طبیعی دولت‌مردان اصیل از وضع مردم رنج و غم آنها، به دنبال چاره باشند تا این مهم را تحقق دهند و خود را درگیر وضع و تنگنای ملت کنند و با مدیریتی صحیح و درست و عادلانه، نگذارند حق کسی از بین برود. این جاست که مدیران با مدیریت کلان سیاسی و حقوقی باید برای رفع آن مطالعه و بررسی و بهره‌وری از اندیشه‌ها و راهکارهای ارائه شده توسط صاحب نظران و متفکران کمک بگیرند و با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح عدالت را اجرایی و عملیاتی کنند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش پیمایش کتابخانه‌ای و مطالعه متون موجود در بررسی نقش محوری مدیریت در حکومت و عدالت انجام گرفته است.

پیشینه مدیریت

یکی از شاخه‌های علوم انسانی که در گستره‌ی ظهور و پیشرفت تمدن‌های بشری نقش مؤثری داشته و به طور متقابل با تحولات اساسی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی حکومتی دچار تغییرات اساسی شده و در چالش با مشکلات باعث توسعه و تکامل علوم گردیده است، علم مدیریت است.

اگر مدیریت را به مفهوم عام آن و یک تلاش آگاهانه برای حل مسائل بشری بدانیم، این دانش با آغاز حیات بشری بر کوهی خاکی متولد گردیده و با تلاش برای رویارویی با مسائل و مشکلات زندگی همگام با آن رشد و تکوین یافته و همواره به عنوان کلید حل بسیاری از مسائل عمده و نگرانی‌های اساسی حکومت شناخته شده است. با این تعبیر مدیریت سابقه‌ای به قدمت حیات بشری دارد؛ زیرا بدون تردید بشر با قدم گذاشتن به محیط نا شناخته قبل از هر چیز نگران تامین نیازهای اساسی خود بوده و با تلاش برای رفع آنها، شیوه‌های مختلف حل مشکلات را آزموده و به کمک علم مدیریت، به طور نسبی بر نگرانی‌های خود فائق آمده است؛ گواه این ادعا واقعیت زندگی و تداوم حیات بشری می‌باشد.

با گذشت زمان و افزایش جمعیت، نیازهای جوامع بشری نیز گسترش یافت و شیوه‌های بهره‌برداری از منابع، سبک زندگی و حکومت‌ها دستخوش تغییراتی گشت. به تدریج مبادلات اقتصادی و اجتماعی افزایش یافت و در نتیجه توسعه و تعامل ملت‌ها و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و حکومت‌های جدید و علوم متفاوت پا به عرصه‌ی حیات گذاشتند.

به طور کلی می‌توان گفت سیر ظهور و تکامل علوم مدیریتی با پیدایش و پیشرفت تمدن‌ها و حکومت‌ها پیوند خورده است.

تعاریف و مفاهیم

مدیریت:

مفهومی از کاربرد تکنیک‌های مختلف اداره‌ی یک گروه انسانی و هماهنگ نمودن کلیه‌ی فعالیت‌های یک سازمان برای نیل به هدفی معین و مشخص و راهنمایی و راهبران سازمان که آن را مدیران و یا سرپرستان سازمانی می‌نامند (استیفن پی رابینتر، مدیریت رفتار سازمان ص ۳).

مدیریت هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است، به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد.

مدیریت: کار کردن با افراد و به وسیله‌ی افراد و گروه‌ها برای تحقق هدف‌های سازمانی (مدیریت رفتار سازمان ص ۱۳).

باتوجه به اینکه در مورد مفهوم مدیریت، نویسندگان زیادی تعاریف گوناگونی ارائه داده‌اند ولیکن در یک وجه مشترک هستند؛ مدیریت هنر یا علم اداره‌ی یک مجموعه، جهت نیل به هدف‌های سازمانی است، کا ما نیز این مفهوم را از مدیریت سرلوحه قرار می‌دهیم.

مفهوم عدالت

عدالت در لغت معادل نظم و ادب است و در پارسی داد معادل عدل و «دادمندی» یا دادگری معادل عدالت است. دادگر نیز معادل عادل می‌باشد.

عدالت به همراه مشتقات، وجوه و نظایرش به دو گونه‌ی فعلی و اسمی در قرآن آمده است؛ «تعدیل کردن، به عدالت و مساوات رفتار کردن، به عدالت حکم کردن، انصاف کردن، عوض دادن» وجوه فعلی و «برابر، مقدار، دادگری، زوال ناپذیری» از وجوه اسمی آن می‌باشند.

«عدل» ضد ظلم و جور و هم معنی قسطاست، ریشه و مشتقات عدل نزدیک به سی بار در قرآن ذکر شده و این تکرار اشاره دارد به این که قرآن به عدل توجه فراوانی دارد (شرباص احمد).

هرچند می‌توان عدالت را به مفهوم و معنای ساده‌تری نیز معنی کرد: رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز و به صورت اجمالی عدالت به میانه‌روی و اعتدال اشاره دارد و انسان عادل شریف‌ترین و برترین فضایل را شامل می‌شود.

حکومت

نظامی است که تحت آن یک کشور با یک اجتماع اداره می‌شوند. حکومت ابزاری است که به وسیله‌ی آن، سیاست‌های دولت مورد اعمال واقع می‌شوند و همین‌طور این نماد، خود سیاست‌گذار و تعیین‌کننده راهبردهای پیش روی کشور است. نوع حکومت و شکلی که کشور با آن اداره می‌شود، به نظام‌های سیاسی مختلف و نمادها و ابزارهایی بستگی دارد که مورد استفاده‌ی ایشان قرار می‌گیرد.

تمام کشورها با حکومت‌هایی که از پی هم می‌آیند اداره می‌شوند. هر حکومتی که جایگزین حکومت دیگر می‌شود، متشکل از افرادی است که تصمیمات سیاسی را اتخاذ کرده و بر اجرای آنها نظارت دارند.

حکومت در فرهنگ لغت (معین ۱ الف) قضاوت کردن، حکم رانی، دیوان کردن و فرمان‌روایی تعبیر شده است.

رهبری

هنر یا علم نفوذ در اشخاص به طوری که با میل و خواسته خود در جهت حصول هدف‌های تعیین شده گام بردارند، به تعبیری دیگر، رهبری عبارت است از: توانایی ایجاد حالتی در کارکنان که با اعتماد به نفس و علاقه‌مندی انجام وظیفه نمایند (میرسپاسی، ناصر ص ۳۹۰) (مدیریت منابع انسانی).

در کل رهبری در فراگرد تاثیرگذاری بر فعالیت‌های یک فرد یا یک گروه یا یک حکومت است و وضعیت معینی در جهت تحقق هدفی کوشش می‌کند و همواره در رهبری یک جامعه توان تاثیرگذاری و قدرت بر زبردستان مطرح است.

مکتب‌های مدیریتی

مکتب‌های مدیریتی از دید و زاویه به دو گروه معروف و کلاسیک و نئوکلاسیک که خمیرمایه‌ی تئوری‌های مدیریتی امروزی هستند تقسیم‌بندی می‌شوند که به آنها به اختصار می‌پردازیم.

الف) مکتب کلاسیک یا «مدیریت علمی»: این مکتب را «فردریک وینسلو تیلور» بنیان‌گذاری کرد و برای مدتی هم پیروان و صاحب‌نظران را به خود جلب کرد. آنان بی‌پرده هدف اصلی از به وجود آمدن حکومت، نظام، سازمان و یا گروه انسانی را فقط عرضه‌ی بیشتر کالا و فرآورده و هم‌چنین دریافت سود بیشتر (پرهیزگار، کمال ص ۳۴) بیان داشتند، از این رو اصول مکتب آنان مبتنی بر حداکثر بهره‌برداری از ماشین و انسان بود.

در این مکتب نیاز به بحث فراوانی نیست؛ چون بر کسانی که کمترین آشنایی با افکار آنان دارند، روشن است که تنها هدف آنان بازدهی و در نتیجه خدمت بیشتر به صاحبان صنایع بوده است.

ب) مکتب نئوکلاسیک: این مکتب با توجه به تحقیقات انجام شده در کارخانه‌ی «هائورن» پا به دنیای دانش مدیریت نهاد و توسط یک شخص استرالیایی به نام «استون» که یکی از استادان دانشگاه «هاروارد» بود مورد حمایت قرار گرفت (پی رابینز، استیفن، ص ۴۹).

این رویکرد از آن جهت که به ابعاد روحی و روانی انسان توجه کرده بود، به‌عنوان «مکتب روابط انسانی» شهرت یافت، آنان با آزمایش‌های فراوان به اثبات رساندند که نباید با کارگران مانند ماشین برخورد کرد؛ بلکه باید به نیازهای انسانی و روحی او توجه نمود.

گرچه بنیان‌گذاران مدیریت کلاسیک واقعا انسان دوست بودند ولیکن با اندکی دقت می‌توان پی برد که آنان هم در جهت منافع سرمایه‌داران گام برداشتند. در تئوری‌های مدیریت می‌توان پی برد که انسان همواره باید در خدمت اهداف سازمانی باشد و خود را وقف کند.

در دنیای نگرش‌های مادی و حیوانی چیزی جز این هم انتظار نیست، اما در مدیریت بر مبنای عدالت، رسیدن به هدف فقط یکی از اهداف است نه تنها هدف.

رابطه‌ی مدیریت و حکومت

همواره رابطه‌های معناداری مابین مدیریت، حکومت و رهبران بوده است و پس از تشکیل و اثبات حکومت، پیکره‌ی اصلی نظام را مدیریت شکل می‌دهد. از این رو باید گفت هنگامی که گفته می‌شود تشکیل حکومت لازم و ضروری است، برقراری حکومت الهی از اهداف مهم انبیاءعظام بوده است. آنان در این مسیر تلاش‌های بسیاری مبذول داشته‌اند، هر گاه زمینه و موقعیت را برای چنین عمل ارزشمندی مناسب می‌دیدند، در انجام آن تردید به خود راه نمی‌دادند.

حضرت موسی (ع) در مقابل حکومت فرعون قیام می‌کند و پس از آن قوم خود را نجات می‌دهد و حکومت برپا می‌نماید. آن حضرت برای خویش، جانشین برمی‌گزیند، قضاوت می‌کند، زر اندوزان پست - مانند قارون - را تنبیه می‌کند و تزویر پردازان روباه صفت - مانند سامری - را می‌کند. پیامبر اسلام (ص) نیز حکومت تشکیل می‌دهد، مدیریت می‌کند، قضاوت می‌کند، لشکر کشی می‌نماید، جنگ می‌کند، صلح می‌نماید، منافقان را سرکوب می‌کند، مالیات می‌گیرد و عدالت را اجرا می‌کند. به این ترتیب است که حکومت باید عادلانه هم قضاوت کند و هم عدالت را اجرا نماید به این مفهوم را می‌رساند که باید مدیریتی بر اساس عدل و تفکر از راس تا پایین‌ترین اجزای آن به وجود آید. از این رو مدیران باید تکلیف خود را بشناسد و بر اساس

آن عمل کنند تا خدای ناکرده به نکبت دنیا و عذاب آخرت دچار نشوند. چه بسا از این حکومت‌ها و مدیرانی که فرجام سختی داشتند به گواه تاریخ کم نیست.

مدیران باید بدانند که محدوده مدیریت و مسئولیت‌شان تا چه اندازه است و از ابتدا تکلیف خود را بشناسند و سپس دقیقاً آن را بکار گیرند.

مدیریت و عدالت

همان‌گونه که اشاره کردیم، عدالت، برابری و تساوی و نفی هرگونه تبعیض است که یک مدیر باید با آن واقف باشد. شهید مطهری (ره) می‌نویسد: عدالت نوعی جهان‌بینی است، یک مقیاس و معیار قانون‌شناسی است و به رهبر مربوط می‌شود، یک شایستگی است. آنجا که پای اخلاق به میان می‌آید، آرمان انسانی است و آنجا که به اجتماع کشیده می‌شود یک مسئولیت است.

نگاه مدیریتی شهید مطهری (ره) را می‌توان به سه عامل تقسیم کرد:

۱) بودن قوانین و مقررات عادلانه،

۲) اجرای عدل،

۳) شعور به حقوق مردم.

پیرو همین نگاه و زاویه دید، مدیریت باید بر پایه‌ی عدالت باشد و بالعکس عدالت نیز اجرا و مجری و نیازمند مدیریت قوی می‌باشد. اگر عدالت در مدیریت تنیده شود، مدیریت عادلانه شکل می‌گیرد و از هر بعدی مدیریت نظام و ساختار عدل را می‌توان دید.

نقش عدالت در قدرت حکومت

قدرت یعنی توانایی اعمال نفوذ بر دیگران به گونهای که رفتار آنان مطابق نظر صاحب قدرت تغییر کند و بتواند افراد را در ستیره خود قرار دهد رهبری و مدیریت حکومت‌ها در عرف امروز با همه توسعه و شمولی که پیدا کرده است اگر بخواهیم مترادف و همانندی برای آن‌ها پیدا کنیم باید بگوییم قدرت رهبری همان قدرت بر هدایت و ارشاد است حال عدالت در حکومت همان حقی است که نباید ضایع شود و زمامدار باید به

گونه‌ای رفتار کند که کسی متضرر نشود. لزوم عدالت گستری و مبارزه با ظلم بیدادگری است و اجرای عدالت چون با توجه به گستردگی بسار است به ذکر جمله‌ای از امیرالمؤمنین بسنده می‌کنیم:

« صبع اکول حطوم خیر من وال غشوم ظلوم »

حیوان درنده شکم گنده پرخور بهتر است از حاکم ستم‌گر ظالم.

Archive of SID

نتیجه گیری

با بررسی و نقش مدیریت در حکومت و عدالت که به صورت منجز و مختصر انجام گرفت، به تاثیر عدالت در مدیریت و کیفیت آن در حکومت سخن رانندیم که یک حکومت عادلانه عصاره آن مدیریت کارآمد است. صاحبان قدرت و حکومت در نظام و تشکیل حکومت برای پیش برد امور رشد و توسعه‌ی جامعه و کشور باید درک درستی از دارای یک برنامه مدیریتی هدفمند و عادلانه قابل قبول باشند. مسئولیت‌های خود را به خوبی داشته باشند به صورتی که در انتها می‌شود بحث را این‌گونه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کرد نه می‌توان از نقش و میزان بهره‌وری صحیح از امکانات تشکیلات وسیع حکومت چشم‌پوشی کرد و از آثار و نتایج ارزشمندی که به دنبال می‌آورد به سهولت گذشت و نه می‌توان آفت و آسیب ناشی از قصور و کوتاهی مدیریت عدالت در جامعه که مانع رشد و بالندگی است را از دید پنهان داشت.

Archive of SID

منابع

قرآن مجید

جعفری ، علامه محمد تقی ، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه،

رضاییان ، دکتر علی، اصول مدیریت تهران : انتشارات سمت.

تیلور ، فردریک ، ترجمه محمد علی طوسی ، اصول مدیریت علمی تهران : انتشارات طوس

مطهری ، مرتضی انسان در قرآن .

عادلی ، سید محمد حسین ، باز سازی و رشد بعد از جنگ در ژاپن. تهران : انتشارات سمت

بلاسچارد، کنت ، بال هرس، ترجمه علاقه‌مند مدیریت رفتار سازمانی.

الوانی ، سید مهدی، مدیریت عمومی،.

پی رابینز ، استیفن ، ترجمه علی پارساشیان و سید محمد اعرابی مدیریت رفتار سازمان.

Archive of SID